

بررسی اولین دوره مجلس شورای ملی و معرفی اولین نماینده قزوین و نقش وی در نهضت مشروطیت و مجلس

علی یعقوبی - کارشناسی ارشد تاریخ

چکیده:

در جریان مشروطیت اولین قانون اساسی با الهام از افکار ملیت پرستی و اصل آزادی خواهی تهیه و تصویب شد و هدف عمده مردم در این نهضت‌رهایی از حکومت استبدادی، رسیدن به حکومت پارلمانی، کسب آزادی، طرد استعمار کهن بریتانیای کبیر و احیای دموکراسی از طریق اجرای کامل قانون اساسی سال ۱۲۸۵ ه.ش و تأمین همه آزادیهای فردی و اجتماعی بود. براین اساس و اهمیت موضوع در خصوص چگونگی انتخاب اولین نماینده قزوین و ورود ایشان به مجلس شورای ملی و سخنانی که ایراد فرمودند، مطالبی بیان شده است.

یکی از این نمایندگان حاج شیخ میرزا حسن شهیدی بوده‌اند که شرح حال ایشان و مذاکراتی که در مجلس شورای ملی داشته‌اند و اسناد مربوط به آن، در این مقاله ذکر شده است که امید است مورد پسند خوانندگان محترم قرار گیرد. **واژگان کلیدی: نمایندگان، مجلس شورای ملی، مشروطیت، قانون اساسی، قزوین، میرزا حسین شهیدی، قره‌العین**

الف- بخش اول

از آغاز مشروطیت تا پایان حکومت مظفرالدین شاه در این دوره فرمان مشروطیت صادر و مجلس دوره اول با حضور مظفرالدین شاه در تاریخ ۱۴ مهر ۱۲۸۵ ش. با حضور نمایندگان و دعوت شدگان به مجلس با شور و اشتیاق مردم افتتاح گردید.

بررسی مجلس اول و چگونگی انتخابات و معرفی نمایندگان این دوره قزوین

نمایندگان قزوین در دوره اول مجلس شورای ملی از ۱۲۸۵/۷/۱۷ تا ۱۲۸۷/۴/۲

نام	نام خانوادگی	تاریخ تولد	نام پدر	میزان تحصیلات	شغل قبل از نمایندگی	تعداد رأی
۱	میرزا حسین شهیدی		محمد تقی	حدود متری	مالک و روحانی	مستقیم و با انتخاب حضوری مردم
۲	میرزا حسین طبیب		میرزا ابوتراب	متعارف	مالک و طبیب	مستقیم و با انتخاب حضوری مردم

الف- دوره اول :

مجلس شورای ملی اول که به حق می‌توان آن را مادر مشروطیت ایران نامید ، یکی از بزرگترین ، بهترین ، پرشورترین و کاری‌ترین مجالس ملی ایران بود. این مجلس ، مشروطیت را در ایران برقرار و مملکت را از حالت بی‌قانونی صرف به اوضاع قانونی درآورد.

این مجلس می‌بایست تمام اصول سیاسی و اداری و خیلی از ترتیبات اجتماعی چند صدساله را به هم می‌زد و قانون اساسی را بر مملکت حاکم می‌ساخت . مستبدین ، خوانین و علمای درباری و ملاکین با ریشه بسیار قوی و امرای نیلونه مستقل را بر می‌انداخت و خانواده‌های ظلم و جور را که بیشتر از صد سال در ایران ریشه دوانده بودند ، سرنگون می‌کرد و مردم را از قید رقیبت آنان خلاص می‌نمود.

در مقابل این مجلس تمامی قوای استبداد ، خوانین ، حکام ، امرا ، شاهزادگان و ملاکین بزرگ صف بندی کرده بودند و از قوای قدیمی فقط علمای روحانی درجه اول و قسمتی از تجار بزرگ با مجلس به اندازه اعتدال همراه بودند .

این مجلس با الگوپذیری از فرانسه ، قانون اساسی را در تاریخ ۱۴ ذی‌قعدة که مشتمل بر ۵۱ اصل بود ، به امضاء شاه رسانید . در شماره ۲۶ مجله کاوه در تاریخ ۶ آبان ۱۲۸۷ ش . درباره مجلس شورای ملی اول چنین آمده است :

"این مجاهدات که نتایج عظیم منفی یا مثبت آن اساس اجتماعی و سیاسی ایران را زیر و رو کرد ، تنها اعمال مجلس اول نبود. آن مجلس بزرگ تاریخی که شب و روز اوقاتش را با جنگ بر ضد قوای ظلم و ظلمت مشغول بود ، باز در عین اشغال خود با مجاهدات فوق العاده مقدار زیادی از قوانین اساسی و مدنی وضع و تصویب کرد که مجلس ملی دوم و سوم با فراغت بالنسبه بیشتر شاید به قدر مجلس اول کامیاب نشدند. ۱" در دوره اول مجلس قانون گذاری ، انتخاب نمایندگان بر اساس رأی مردم نبوده ؛ بلکه از طرف اصناف ، طبقات مختلف ، حتی شاهزادگان انتخاب شده بودند. اما از دوره های بعدی طرز انتخاب نمایندگان به طور مستقیم و یا به صورت مخفی انجام شده است و در این دوره اگر نمایندگانی استعفا یا فوت می‌کردند جانشین آنها از طرف نمایندگان همان محل انتخاب می‌شد.

ب- تشکیل دوره اول مجلس شورای ملی :

افتتاح مجلس شورای ملی برای روز ۲۷ جمادی الثانی سال ۱۳۲۴ هجری اعلام گردیده بود. این روز میمون و تاریخی ، که برای به دست آوردن آن ، آرزوها زیر خاک رفته ، فغانها در سینه ها خفه شده و خونهای بی‌گناهان ریخته شده بود و به خاطر آن

قریه برغان مرکز چهارده قریه مجاور است. این قریه دارای دو مسجد بزرگ و چند مدرسه ابتدایی و متوسطه و پست و بانک و سایر ادارات است. مشهورترین محصول برغان گوجه درختی است. یکی از عمده ترین فرآورده های این منطقه چوب است. جمع کثیری از علماء و شعراء خطاطان و هنرمندان از این سرزمین برخاسته اند که مشهورترین آنها ملامحمد ملائکه برغانی م. ۱۲۰ ق و سه فرزندش شهید ثالث برغانی (مستشهد در ۱۲۶۳ ق و ملا محمد صالح برغانی م. ۱۲۷۱ ق و ملاعلی برغانی م. ۱۲۶۹ ق) است.

بعضی از مورخین و مستشرقین آن را با برقان که با قاف است خلط کرده اند. سید محسن امین در اعیان الشیعه (۹/۳۶۹) آن را به اشتباه تابع قزوین یاد کرده است. (دایرة المعارف تشیع، جلد سوم، ص ۱۷۹). ۲۱- شیخ محمد تقی برغانی معروف به شهید ثالث (برغان م ۱۱۸۰ - شهادت قزوین ۱۲۶۳ ق) فرزند شیخ محمد ملائکه بن شیخ محمد تقی، وی از اسوه های علم و دین و ارکان طائفه جعفریه و از علمای مجاهدین شیعه در قرن سیزدهم می باشد که در برغان متولد شد و برای کسب دانش به قزوین، قم و اصفهان هجرت نمود. بعد راهی عتبات عالیات شد و به درجه اجتهاد رسید. در برابر معاهده ننگین گلستان علیه فتحعلیشاه موضع گرفت و مخالفت خود را اعلام نمود و شاه حکم دستور تبعید او و برادرانش به عراق را صادر نمود. شهید ثالث قزوین را مفر جنبش فکری و مبارزه عقیدتی و نهضت علمی خود قرار داد. با این وجود از دشمنی خود با درباریان و شاهزادگان زورگو نکاست.

دوران زندگی وی مقارن با انقلاب صنعتی در اروپا بود که تأثیر مستقیم و عمیق بر ممالک اسلامی داشت. از حوادث مهم زمان ایشان دو جریان تند افراطی و تفریطی بود که براساس یک تفکر غلط از طرف مسلمانان مردود شناخته شده بود. این دو جریان که در جزیره العرب پدیدار شد یکی وهابیت و دیگری جریان شیخیه بود که رهبری آن را شیخ احمد احسائی برعهده داشت و به ایران هجرت نمود و پیشرفت زیادی در قزوین نمود. قزوین هم مانند دیگر مراکز شیعه به دو قسمت شده بود: ۱- شیخیه ۲- متشرعه، که اختلاف شدیدی بین آنها حکمفرما بود. مبارزه شهید ثالث با شیخ احمد احسائی بالا گرفت تا جایی که شهید ثالث وی را تکفیر نمود و وی به اصفهان رفت.

شهید ثالث با سه گروه به نبرد پرداخت: ۱- دربار ایران ۲- شیخگیری ۳- بایگیری

سرانجام این اختلافات باعث شد که در سحرگاه ۱۵ ذی القعدة سال ۱۲۶۳ ق هنگام نماز صبح در محراب مسجد در حال سجده فرق سرش را شکافتند و دومی با ضربات نیزه بر دهان او زد و مجروحش ساخت و پس از دو روز در تاریخ ۱۷ ذی القعدة به شهادت رسید قاتل او را به قتل رسانده، به آتش کشیدند. از مشهورترین مؤلفات وی منبع الاجتهاد در ۲۴ جلد می باشد.

شهید اول: شیخ شمس الدین ابو عبدالله محمد بن جمال الدین مکی عاملی نبطی جزینی، شهادت در سال ۷۸۶ هـ. ق.

شهید ثانی: شیخ زین الدین بن علی جبعی عاملی شامی معروف به ابن الحجه شهادت در سال ۹۶۶ هـ. ق. وی را پس از به شهادت رساندن در مقبره ای در سلامگاه شاهزاده حسین که حاج میرزا ابوالقاسم شهبانی شیرازی برای خود ساخته بود به خاک سپردند تا بعداً به عالیات منتقل کنند. بعد از ۱۰ الی ۱۵ ماه که قبر را شکافته و خواستند وی را انتقال دهند، دیدند جسد وی همچنان تر و تازه مانده و هیچ گونه تغییری نکرده است و مردم از این کار جلوگیری کردند و در مقبره فوق به خاک سپرده شد و به شهید ثالث معروف گردید.

۲۲- قره العین

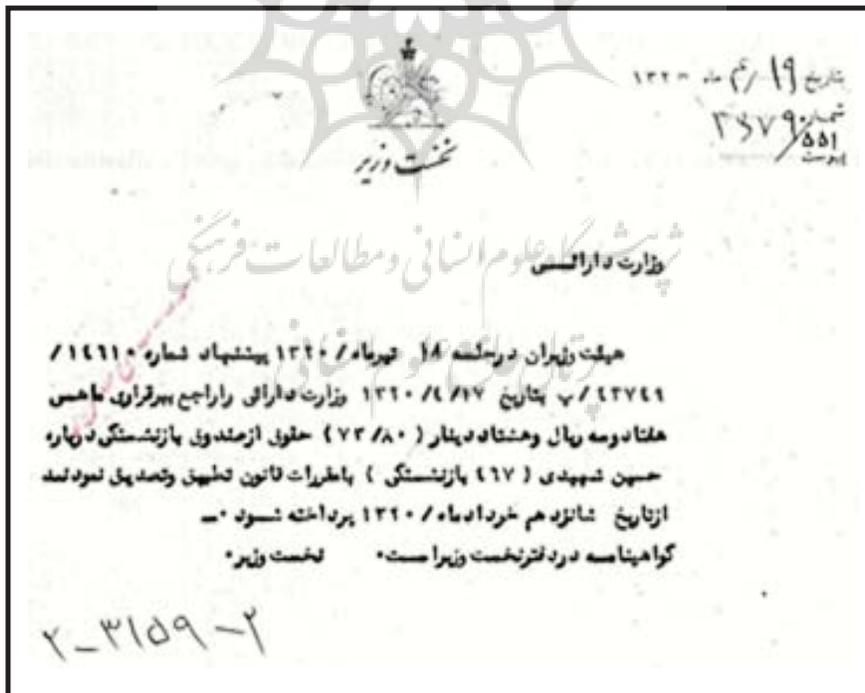
از مهمترین حوادث قرن ۱۳ هجری جنبش قره العین محقق بود و ارباب فضیلت از شیعه و غیر شیعه و مستشرقین این حادثه را با اهمیت تلقی نموده اند. آقای دکتر الوردی می نویسد: قره العین زن عجیبی است و نام آن در مجتمع عراقی همچنان ظنین افکن است. او نخستین کسی بود که نقاب را از چهره خود برداشت و منبر رفت و به سخنرانی و بیداری مردم پرداخت و این مهمترین حادثه ای است که در تاریخ عراق و حتی در شرق پدید آمد. وی در خاندان علم و فضیلت براساس فطره تشیع به دنیا آمد و نشأت آن در قزوین و در کربلا بود. او در دوران کودکی قرآن را از حفظ نمود و علوم فقه، اصول و علم حدیث از پدر، عمو، برادر، دو برادر عمو- میرزا

- ۱- مروارید، یونس، از مشروطیت تا جمهوری نگاهی به ادوار مجالس قانونگذاری دوران مشروطیت، جلد اول، ص ۴۹.
- ۲- همان، جلد اول، ص ۵۹.
- ۳- همان، جلد اول، ص ۶۱.
- ۴- نظر شاه این بود که در روز عید مولود امام زمان یعنی پانزدهم شعبان مجلس منعقد گردد. لیکن صدراعظم (مشیر الدوله) و ارباب حل و عقد مملکت به عرض رسانیدند که شأن و شرافت روز افتتاح مجلس کمتر از اعیاد نیست و هر ساله روز افتتاح مجلس را جشن خواهند گرفت. هر گاه افتتاح در پانزدهم شعبان باشد، این دو جشن بزرگ مشترک بوده و جشن افتتاح در داخل جشن عید مولود شاید مضمحل گردد. به این ترتیب شاه قبول کرد که ۱۸ شعبان باشد. (یونس مروارید، از مشروطه تا جمهوری).
- ۵- همان، ص ۷.
- ۶- همان، جلد اول، ص ۷۶.
- ۷- مرتضی قلی خان هدایت ملقب به صنیع الدوله: اولین رئیس مجلس شورای ملی، فرزند علیقلیخان مخبرالدوله و داماد مظفرالدین شاه و متولد ۱۲۷۳ هـ. ق. بود. وی یکی از رجال اروپا دیده بود، با عبا!! و عمامه ولی فکل و کراوات داشت. او بعداً وزیر معارف و فواید عامه و وزیر مالیه شد. تحصیلات ابتدایی را در تهران آغاز نمود و مدتی در مدرسه دارالفنون تحصیل کرده و بعداً به آلمان رفت و به درجه مهندسی در معدن شناسی رسید. وی سالها در مسؤلیتهای مهم دولتی بود و سرانجام در سال ۱۳۲۹ هـ. ق. به وسیله یک گرجی تبعه روس مورد سوء قصد قرار گرفت و دو روز بعد درگذشت. وی در مقبره هدایت در خیابان استانبول مدفون شد. (باقر عاقلی، شرح حال رجال سیاسی و نظامی ایران، جلد سوم، ص ۱۷۳۳).
- ۸- مروارید، یونس، از مشروطه تا جمهوری، جلد اول، ص ۹۴.
- ۹- گلریز، سید محمد علی، مینودر، جلد اول، ص ۹۰۰.
- ۱۰- مذاکرات دارالشورای ملی، ۲۷ محرم الحرام ۱۳۲۵، دوره اول، ص ۱۰۵.
- ۱۱- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، ص ۲۴۱.
- ۱۲- گلریز، سید محمد علی، مینودر، جلد اول، ص ۹۰۱.
- ۱۳- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، ص ۲۴۱.
- ۱۴- کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، بخش دوم، ص ۱۰۳.
- ۱۵- مذاکرات دارالشورای ملی، ۲۷ محرم الحرام ۱۳۲۵، دوره اول، ص ۱۰۵.
- ۱۶- کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، جلد دوم، ص ۱۰۸.
- ۱۷- مروارید، یونس، از مشروطه تا جمهوری، جلد اول، ص ۷۶.
- ۱۸- ورجاوند، پرویز، سیمای قزوین، جلد اول، ص ۶۹۴.
- ۱۹- این خاندان قبلاً به نام طایفه برغانیها معروف بودند. پس از کشته شدن حاج ملا محمد تقی (پدر بزرگ میرزا حسین شهیدی نماینده دوره اول قزوین در مجلس شورای ملی) در سال ۱۲۶۶ هـ. ق. [۱۲۶۳ هـ. ق.] این طایفه به نام شهیدی معروف شدند که نیای آنها تا ۱۲ پشت از علما و پارسایان بوده اند. وی دارای ۱۰ پسر و ۴ دختر بوده است.
- یکی از فرزندان او آقا محمد امام جمعه است که میرزا حسین پسر وی می باشد و مادرش از خاندان تقوی است. (سید محمد علی گلریز، مینودر، جلد اول، ص ۳۶۷).
- ۲۰- برغان: قریه ای در شمال غرب تهران، در دامنه سلسله جبال البرز و در ۲۴ کیلومتری شرق جاده اتوبان تهران، قزوین و یکی از بیلاقهای خوش آب و هوا، دارای آب بسیار و باغهای سرسبز و رودخانه های پرآب و چشمه ساران.

"میرزا حسین شهیدی پس از فتح تهران از فعالیتهای سیاسی کناره گیری کرد. وی در سال ۱۳۴۲ هـ. ق برابر با ۱۳۰۲ شمسی وفات یافت. مقبره اش در امامزاده حسین قزوین است."



البته خالی از حکمت نبود. هر چه آن خسرو کند، شیرین بود. جناب در عریضجات خودشان مفصل احتمال دارد بنویسند. دیگر بنده تکرار آن مطالبات را نکردم. غرض بنده تمام این یک مطلب بود، نوشتن. حالا دیگر خودتان مختارید هر چه بکنید. آن پدر سوخته مسعود^{۳۴} را ابدأً به مجلس راه ندهید، زیرا که از پدرش دستورالعمل گرفته، کار شما را خواهد معطل گذاشت. پرهیز کنید از او. آمدنش به مجلس شما زهرمار است دیگر مجال نیست، زیرا که پست می رود، کاغذ می ماند. زیاده قربان شما. ۳۵" طبق اسنادی که در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران موجود می باشد، وی درخواست حقوق از صندوق بازنشستگی کرده است. تصمیماتی که وزارت دارایی و هیأت وزیران در این خصوص گرفته اند، طبق اسناد شماره ۲-۳۱۵۹-۲ و ۳-۳۱۵۹-۲ مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران عیناً درج می گردد.



است، مکاتبه با او دارد، از این طرف مانع پیشرفت مقاصد ما بود. بحمدالله دندانش به سنگ رسید. اگر این بی غیرت تلگراف آقا میرزا عبدالوهاب را به اتابک نداده بود، ده روز پیش حاجی سید جمال از قزوین به سلامتی شما تشریف برده بود. ما در این خصوص سه مرتبه به شمیران رفتیم، با وجود آن کارهای آخوند به مقصود خودمان نایل شدیم.

هر چند جناب مستطاب آقای حاج شیخ الاسلام یک تلگرافی به آقای آقا میرزا حسین زید عمره کرده بودند، مع ذلک ما از پانزده شهریور تا مقصود حاصل ننشسته کوشیدیم تا مقصود حاصل شد. انشاء الله مطلب به همه شماها و بنیانگذار مشروطیت ایران است خواهد رسید. غرض در تقلب آن شخص بی شرف است که همه جا در کلیه امورات مانع پیشرفت مقاصد مردم خیر خواه و دارالشوری ملی است.

اما فکر در این باب بکنید که در طهران اسم نازنین قزوینی ضایع شد. مردم به من می گویند در قزوین همان یک نفر آقا میرزا حسین طیب بود؟ یک نفر دیگر نبود؟ باید آن یکی... ۳۳۰۰ را انتخاب نمائید. غرض اسباب رسوایی مردم قزوین شده است، کاری بکنید که این آدم یا از وکالت خلع، یا باید او را دزدید.

به هر حال باید کاری کرد که او نباشد. در دارالشورا نمی گذارد قانون اساسی تمام شود، نمی گذارد سایر قوانین به اتمام رسد. در این خصوص با رفقای محرم شور فرمایید. هر چه که صلاح دانستید بکنید. همان آسید ابوالحسن بنده را سر چارسو دید گفت استدعا دارم که با... راه نروی چه طور شد تا در طهران بود با آقا شیخ حسین خوب، با من بد. حالا در قزوین آمده است دیگر با او بد شده است، با من خوب. حالا حرفهای او را از برای شما می زند. هر که عیب دگران پیش تو آورد، به یقین عیب تو پیش دگران خواهد برد. باشد آقا سید ابوالحسن تا خودم خدمت برسم. در آن کاغذ به آقای میرزا حسن دام مجده وعده مطلب داده بودم. مطلب آقا شیخ حسین بود.

می خواستم در عریضه جداگانه این مطلب را عرض کنم، چون فی ما بین ندیدم و ایشان هم از ترتیب این اطلاع نداشته باشد. این بود که به جناب شما عرض کردم. باری خدمت آقای آقا میرزا غفار به عرض سلام و ارادت مصدعم. خدمت آقای آقا سید مهدی سلام بنده را برسانید. بگو شما چرا تا به حال دو کلمه کاغذ ندادید.

پس یک فکری در باب شیخ حسین بکنید. باری، خدمت ذی مرحمت جناب آقای حاج شیخ الاسلام سلام چاکرانه برسانید. عرض کنید نمی دانم به چه جهت این کار را کردید،

قانون اساسی یکسال طول خواهد کشید و تا شما قانون اساسی را تمام و در موقع اجرا بگذارید آنها به طور کامل کار خودشان را صورت خواهند داد." ۲۹

۴- در مورد عدم کارایی خود و نمایندگان مجلس چنین گفته است " شش ماه است که در این مجلس حاضر هستم و در این مدت از وجود خود فایده برای ملت عاید ندیدم و در این مدت ۶ ماه قریب دو هزار تومان ضرر بر من وارد آمده است. مستدعی هستم که مجلس مقدس دو ماه وقت بدهد بروم به کارهای خود رسیدگی نمایم و مراجعت نمایم." ۳۰

که ظاهراً محقق الدوله که در آن روز ریاست مجلس را به عهده داشته است می‌گوید: "از اینجا تا قزوین مجلس نمی‌تواند دو ماه وقت بدهد".

شهیدی اعتراض کرده و می‌گوید: "کارهای من خیلی مهم است غیر از این مدت نمی‌توانم اصلاح نمایم. در نتیجه یک ماه مدت داده می‌شود تا آقای شهیدی به کارهای خود در قزوین پردازد و سر و سامان دهد".

۵- در خصوص دریافت پول از سرمایه داران برای رفع احتیاجات مملکت چنین آمده است: " آنچه را که بنده تصور کرده ام اغلب آنرا آقایان گفته اند ولی اجمالاً عرض می‌کنم که این اعانه را از که باید گرفت یا از متمولین باید گرفته شود یا از عموم، آن هم یا اجبار است یا به میل خاطر آنها. اگر به طور اجبار باشد گمان نمی‌کنم که در اینجا کسی این مطلب را تصویب نماید. اگر برگزار به میل خاطر خود مردم بشود آنهم با این اغتشاشات و انقلابات ولایات و پریشانی عموم مردم مشکل است که وجه صحیحی عاید گردد." ۳۱

نامه ای علیه میرزا حسین شهیدی

زمانی که وی از طرف مردم قزوین به وکالت انتخاب و به مجلس رهسپار می‌شود و مشغول انجام وظیفه می‌گردد، گویا بعضی از افراد نسبت به کارهای او در مجلس اعتراض داشته‌اند. یکی از این نامه‌ها را که از کتاب قزوین در انقلاب مشروطیت مهدی نور محمدی گرفته شده، عیناً می‌آورم.

نامه از طهران به یکی از مجاهدین در قزوین، نویسنده و گیرنده شناخته نشد. محتوای نامه، علیه میرزا حسین شهیدی نماینده قزوین است که از طرفداران مشروعه بود. "از لحاظ مبارک جناب مستطاب آقای آقا سید عباس زید مجده خواهد گذاشت. قربانت، از روزی که وارد این شهر شده ام، یک مرتبه بیشتر به منزل آخوند شهیدی نرفته‌ام. من نمی‌دانم این چه... ۳۲ بود ما به طهران فرستادیم. تمام قزوینی‌ها را رسوا کرد. نمی‌دانم کدام خیانت این آدم را بیان باید کرد؟ از یک سمت با شیخ فضل الله هم‌دست

شرحی در عفو و بخشایش ایشان مرقوم داشته، ما عین آن را می نگاریم :
جناب میرزا حسین شهیدی هر گاه کمیته خیالی در خصوص شما مجری می نمود
و البته کمیته غرض شخصی را دوست نمی دارد. شما در کمال اطمینان و آسودگی در
خانه خود نشسته مشغول کارهای شخصی خود باشید و احدی حق تهدید بر شما ندارد
و چون کمیته شما را عفو می نماید اگر کسی بخواهد به شما تعرض نماید فوری به
کمیته راپورت بدهید که کمیته به تکلیف خود عمل خواهد نمود"

شعر سیاسی درباره وکیل اول قزوین حجت الاسلام شهیدی :

حضرت حجت الاسلام شهیدی که مدام

جار زده بر سر هر کوچه و بازار تمام

اینها الناس بدانید که مشروطه حرام

حال بیچاره به سر شوق و کالت دارد

با دو صد شوق به این امر دخالت دارد^{۲۶}

مذاکرات میرزا حسین شهیدی در مجلس شورای ملی

وی در مجلس در بعضی از موارد سخنانی ایراد داشته اند که آن موارد را در ذیل
یادآور می شویم:

۱- در خصوص عدم توجه نمایندگان مجلس به صحبت‌های افراد یا این که اگر سخنی
داشته نمایندگان یا نمی گذاشتند وی حرفی بزند یا با سؤالات زیاد وی را مورد هجوم
قرار می دادند. وی در این مورد می گوید: "یک ایراد صحیحی به این مجلس وارد است
که هیچ عاقلی نمی تواند رد نماید. آن مردم تمام ماها را عقلا دانسته و به اینجا فرستاده‌اند
و حضرت علی (ع) می فرماید (من قطع کلام الغیر بدل علی قله عقله) یعنی کسی که
قطع بکند سخن غیر را دلالت می کند بر کمی عقل او."
آیا این در مجلس ما هست یا نه و دیگر اینکه قسم خوردیم که به دولت و ملت خیانت
نکنیم. ببینید در مسئله تلگراف چه نحو در مجلس تهاجم مذاکره شد. از این بوی غرض
فهمیده می شود یا نه؟ کسی که مسئله را طرح و استدلال کرد او را نباید دوره نمود.
"یک نفر طرف می شود اگر مدلل کرد فبها و الا دیگری مقصود هر کس ایرادی دارد
باید یکی یکی ایراد نماید نه اینکه یک دفعه دوره بشود."^{۲۷}

۲- در خصوص وظیفه مجلس چنین می گوید: "تمام این مذاکرات یک درجه مهم
بود وظیفه عمده مجلس وضع قوانین است خوب است تشکیل انجمن بلدیة بشود تا
جمع این امورات جزئی راجع به آنجا شده مجلس آسوده شود"^{۲۸}
۳- در مورد تدوین قانون اساسی نیز چنین گفته است: "اینطور که پیش گرفته ایم

معروفترین آنها عبارتند از: حاج شیخ عیسی شهیدی (پسر مرحوم حاج ملا تقی شهید برغانی)، حاج میرزا هدایت شهیدی معروف به حاج آقای صدری شهیدی، آقا میرزا حسین شهیدی نماینده دوره نخست مجلس شورای ملی، حاج میرزا تقی (دیمجی حجه الاسلام)، حاج میرزا ابوتراب ثقة الاسلام پسر مجد الاسلام، حاج میرزاخان کدخدا، حاج میرزا ابوالحسن بایندر کوچه ای، محمد امینی یمین خان امیر محترم و حاج محمد ابراهیم و احد العین (بازرگان) بودند.

اما میرزا حسین شهیدی پس از یک شب توقف در قنسولگری از کار خود پشیمان شد و روز دیگر به خانه خود بازگشت و مورد تکریم مجاهدین و مردم قرار گرفت. "۲۴ پس از این که میرزا حسین شهیدی به قنسولگری روس پناهنده می شود باز هم بنا به دلایلی چند از مجاهدین و کمیته ستار طلب عفو و بخشش می نماید. از جمله دلایلی که، از کار خود پشیمان شده است، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- آزادمثنی روحانیت که خود را زیر بیرق کفر و بیگانه دیدن در شأن و منزلت وی نبوده است.
 - ۲- سرزنش مردم و مجاهدین که خواستار از بین بردن استبداد و بیگانگان در کشور بوده اند.
 - ۳- تشویق مردم و مجاهدین به ترک قنسولگری و دوری از اجانب.
 - ۴- دیدن اعمال و کارهای زشت و ناپسند روسها نسبت به مردم و آزادی خواهان و مملکت.
 - ۵- به خاطر از دست دادن وجه و منزلت اجتماعی خود و دست یابی دوباره به آن.
 - ۶- و ...
- در مجموع به دلایل مختلف همان طور که گفته شد درخواست عفو نمودند. در شماره ۱۳ روزنامه یادگار انقلاب به تاریخ ۲۷ شعبان ۱۳۲۷ هـ. ق برابر با ۱۲ سپتامبر ۱۹۰۹ م. در صفحه ۲ شرحی و نامه ای از سوی کمیته ستار در پاسخ آقای شیخ حسین شهیدی و یک سال سابقه مجلس به چاپ رسیده است.

متن نوشته روزنامه و نامه کمیته ستار چنین است :

"چنانچه آقا شیخ حسین شهیدی و کیل سابق قزوین که در زمان ارتجاع علم استبداد برافراشته و کوس خودخواهی نواخته پس از سپری شدن ایام استبداد و غلبه احرار چندی در زوایا مخفی و از فعل زشت خود نادم و پشیمان آخر الامر عریضه ای به کمیته مقدسه عرضه کرده و استدعای عفو تقصیر نموده. کمیته مقدس ایشان را بخشیده و

۲- میرزا حسین طبیب، فرزند میرزا ابوتراب قزوینی ملاک و طبیب مجاز

حاج شیخ میرزا حسین شهیدی

حاج شیخ میرزا حسن شهیدی^{۱۹} فرزند آقا محمد امام جمعه و نوه مولی محمد تقی برغانی^{۲۰} معروف به شهید ثالث^{۲۱} قره العین^{۲۲} دختر عموی میرزا حسین شهیدی و همسر دیگر آقا محمد امام جمعه بود. شیخ حسین شهیدی، مالک و روحانی بود. میرزا حسین شهیدی نماینده قزوین در مجلس اول شورای ملی در کسوت روحانیت

و نوه شهید ثالث و دارای تحصیلات حوزوی بوده است. نامبرده در ابتدا از طرفداران مشروطیت بود. وی پس از به وجود آمدن ماجرای مشروطه مشروعه به هواداری از شیخ فضل... نوری برخاست. هنگامی که شیخ فضل... نوری برای مشروعه خواهی در حضرت عبدالعظیم تحصن نمود، میرزا حسین برخلاف برخی از نمایندگان مجلس که خواستار عکس العمل جدی در قبال این حرکت بودند، سعی می کرد به گونه ای شیخ را به شهر بازگرداند که توهینی در بر نداشته باشد.

او در سخنانی در جلسه روز شنبه هفتم ماه رجب ۱۳۲۵ هـ. ق در مجلس می گوید: "در باب فتنه حضرت عبدالعظیم عقیده بنده این است که خود جناب رئیس عده ای از وکلا را معین نماید، چند نفر هم از وزراء معین شده کمیسیونی تشکیل شود و هر طور صلاح می دانند در تبعید و برگردانیدن آنها مذاکره نموده نتیجه بگیرند." ۲۳

چگونگی پناهنده شدن شهیدی به قنسولگری روسیه

میرزا حسین شهیدی پس از استبداد صغیر در قزوین به سر می برد. وی با عده ای از بزرگان شهر از ترس جان و به خاطر نجات خود و دیگران که کشته نشوند یا از ترس مجاهدین که شهر را فتح کرده بودند که مبادا به جان و مال آنها معترض شوند یا به خاطر وعده ای که روسها به آنها داده بودند که از جان و مال آنها دفاع کنند و آنها را در برابر مجاهدین یا کسانی که نسبت به آنها غرض ورزی داشتند حفظ نمایند، به قنسولگری روس در قزوین پناهنده شدند که در واقع دلایل اصلی آن روشن نیست. میرزا حسین شهیدی پس از استبداد صغیر و هنگام فتح قزوین در این شهر به سر می برد. کشتن عده ای از مردم باعث ترس و وحشت گروهی از اشخاص صاحب عنوان گردید. لذا به ترغیب کارکنان قنسولگری، در حدود بیست و پنج تن از علمای درباری و اعیان و مالکین شهر با یکی دو تن از بازرگانان به قنسولگری روس پناهنده شدند.

قسم شده قرآن را مهر نمایید.

ما هم قسم یاد نموده و قرآن را مهر کرده ایم. بعد گفتند مطلب دیگر ما این است که سلام ما را به مجلس مقدس شورای ملی رسانده و از وکلای محترم اجازه بخواهید که روزی دو ساعت اجازه بفرمایید لباس سربازی پوشیده مشق جان فشانی نماییم." ۱۵ عموم وکلا نهایت تحسین و تمجید از علو همت و همراهی اهالی قزوین نمودند. ناظم الاسلام در تاریخ بیداری ایرانیان نیز در یاداشتهای روز سه شنبه ۲۷ محرم الحرام ۱۳۲۵ هـ. ق. مورد فوق را آورده است ۱۶.

دوره اول مجلس شورای ملی: نخستین جلسه رسمی شورای ملی دوره اول در تاریخ ۱۳ مهر ۱۲۸۵ شمسی برابر با ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ هـ. ق. و ۷ اکتبر ۱۹۰۶ م. با سخنان مظفرالدین شاه افتتاح گشت.

مجلس اول از لحاظ برنامه کار و نحوه فعالیت خالق و بنیانگذار مشروطیت ایران است. چه این مجلس توانست با وجود مخالفت اصولی درباریان مستبد و به رغم قدرت شاهزادگان و خانهای مرتجع و گاهی هم اعمال نفوذ عمال خارجی، قانون اساسی ایران را که مشتمل بر ۵۱ اصل بود و در تاریخ ۸ دی ماه ۱۲۸۵ شمسی مطابق با ۳۰ دسامبر ۱۹۰۶ م. به توشیح مظفرالدین شاه رسیده بوده، پس از فوت وی متمم قانون اساسی را در ۱۵ مهر ۱۲۸۶ شمسی مطابق با اکتبر ۱۹۹۷ م. در شرایط بسیار سخت و مبارزات آزادی خواهان به امضای جانشین مستبد او، محمد علی شاه برساند. ۱۷ مجلس اول با گامهای بنیادی که برداشت توانست در برابر قدرت دربار و شاهزادگان و استبداد داخلی از یک سو و سلطه بیگانگان از سوی دیگر ایستادگی کند. همین امر خشم محمد علی شاه و دو دولت روس و انگلیس را برانگیخت (مجلس اول در جلسه ۲۲ رجب ۱۳۲۵ هـ. ق. خود با موافقت نامه ۱۹۰۷ م. مبنی بر تقسیم ایران به منطقه نفوذ دو دولت روس و انگلیس، مخالفت و آن را رد کرد). در نتیجه در دوم تیر ماه ۱۲۸۷ شمسی برابر با ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۲۶ هـ. ق.

و ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ م. به وسیله لیاخوف روسی، رئیس قزاقها، به توپ بسته شد و عمر آن پایان یافت. ۱۸ نمایندگان این دوره قزوین در مجلس شورای ملی عبارت بودند از:

۱- حاج شیخ میرزا حسین شهیدی، فرزند آقا محمد امام جمعه و نوه مولی محمد تقی برغانی معروف به شهید ثالث

در قزوین دو تن نماینده برای مجلس برگزیده شد، ولی چون دودستگی در میان بوده دسته دیگر در شاهزاده حسین گرد آمده و آشوب برخاستند و از روانه گردانیدن آنان جلو می گرفتند

کسروی در ادامه می گوید :

" چیزی که هست نادانی و کینه های کهن نیز به میان می آمد. این کشاکش ها ناگزیر ساخت که صنیع الدوله اولین رئیس مجلس شورای ملی به گله پرداخته چنین می گوید: " غیر از اهالی آذربایجان که به ترتیب صحیح انتخاب و کلای خود را نموده و با احترام روانه کردند سایر ولایات نفهمیدند و اغراض سابقه خودشان را در این مورد بروز دادند. مثل قزوین و کرمانشاه و غیره ۱۳"

"امروز مذاکرات مجلس در باب انتخابات قزوین مذاکره

شد که آقای شیخ حسین شهیدی و آقا میرزا حسین طبیب را
منتخب نموده اند. لکن بعضی مخالفت نموده دو نفر دیگر
را منتخب نموده اند. " ۱۴

به این ترتیب نمایندگان قزوین توسط مردم که به دعوت
عمید الملک - پسر امجد الوزراء ، فرماندار قزوین - که
جماعتی حدود ۳۰۰ نفر در مسجد پنجه علی قزوین گرد آمده بودند انتخاب نمودند و
پس از کشمکش و سر و صدا و تحصن در امام زاده حسین سرانجام با موافقت مجلس
شورای ملی رهسپار تهران شدند.

- و ورود نمایندگان دوره اول قزوین به مجلس شورای ملی

درباره حضور دو نماینده قزوین در دوره نخست مجلس شورای ملی ، در مذاکرات
دارالشورای ملی ۲۷ محرم ۱۳۲۵ هـ. ق چنین آمده است :

" امروز دو نفر از وکلای قزوین که آقا شیخ حسین شهیدی و آقا میرزا طبیب باشند ،
با هیئتی از متستقبلین و شئونات لازمه دو ساعت به غروب مانده وارد مجلس شدند.
بعد از تبریک و پذیرایی آقا شیخ حسین شهیدی گفت :

بعد از رسیدن تلگراف احضاریه مجلس مقدس شورای ملی ، تمام اهالی قزوین شاد
و خرم و دعای ذات اقدس شهرباری خلدالله ملکه رطب السان ، و توفیق و تأیید وکلای
محترم را خواستار شدند این جانبان هم امر مجلس محترم را اطاعت کرده حرکت
نمودیم قریب سی هزار نفر تا دو فرسخ مشایعت کردند. یک میدان که از عموم مشایعین
دور شدیم ، قریب پنجاه نفر از جوانان اهل علم از سادات و غیر سادات به تعجیل به
سمت ما می آمدند ، کالسکه را نگه داشتیم تا رسیدند قرآنی بیرون آورده و اظهار داشتند
که ماها قریب پنجاه نفر هستیم که تماماً قسم خورده و قرآن را مهر کرده ایم که هرگز
مخالفت با مجلس شورای ملی ننماییم. و در همراهی با اوامر و نواهی مجلس از جان
و مال خود به هیچ وجه دریغ نکنیم از شما هم استدعا داریم که محض اطمینان با ما هم

و ممانعت کردند. به این واسطه مردم اجتماع کرده بازار و دکاکین را بسته، الان در شاهزاده حسین متحصن شدند.^{۱۰}

بعد از آگاه شدن مجلس از تأخیر نمایندگان و مسأله تحصن آنها تصمیم بر این می‌شود که مأموری جهت تحقیق به قزوین فرستاده شود تا صحت انتخابات را جویا شده و نتیجه را اعلام نماید. سرانجام پس از دوازده روز مرکز هم موافقت کرد همان دو تن که انتخاب شده بودند، با احترامات فراوان و مشایعت مجلخانه به تهران رهسپار گردیدند و تحصن در شاهزاده حسین پایان یافت و به این ترتیب مردم پس از چند روز بحث و گفتگو و تحصن به خانه‌های خود برگشتند و بازار و مغازه‌ها باز شد و زندگی به روال عادی برگشت.

در هیچ منبعی اشاره‌ای به علت اختلاف بر سر تعیین وکلای مجلس بین مردم نشده است. که همین امر بیانگر این نکته است که چند دستگی، اغراض شخصی و جنگ قدرت بین روحانیون متنفذ درباری، مانع اصلی برگزاری انتخابات آرام و بی دردسر در قزوین بوده است.

کسروی در این رابطه می‌نویسد:

"در قزوین دو تن نماینده برای مجلس برگزیده شد، ولی چون دودستگی در میان بوده دسته دیگر در شاهزاده حسین گرد آمده و آشوب برخاستند و از روانه گردانیدن آنان جلو می‌گرفتند. مجلس تلگراف فرستاد و آشوب را فرو نشاند و دو تن نماینده که

شیخ حسین شهیدی و میرزا حسین

طیب می‌بودند به تهران به کار خود

پرداختند.^{۱۱}

در روز سه شنبه ۲۴ شوال سال ۱۳۲۴ هـ. ق. لوحه

سردر مجلس را که با عنوان "دارالشورای ملی ایران"

و "عدل مظفر" - که این کلمه در حساب ابجد برابر با

۱۳۲۴ است - نوشته شده بود، با شکوه فوق العاده‌ای

نصب نمودند

پس از انتخاب وکلای مجلس،

یک عده شش نفری هم برای

"انجمن ولایتی" قزوین انتخاب

کردند که ریاست آن را مرحوم سید

حسین مجتهد معروف به شیرخورشیدی بر عهده داشت و پس از به توپ بستن مجلس این انجمن هم به هم خورد و نیز انجمن دیگری به نام "انجمن بلدیه" از عباد و اصناف انتخاب گردید و رئیس آن مرحوم صدر العلماء نوه مرحوم حاج ملا صالح برغانی بود. صدرالاسلام و حاج محمد حسن شاهرودی و حاج سید موسی بزاز و حاج سید میرزای عطار و عده دیگر در این انجمن عضویت داشتند و به امور شهری و خواربار رسیدگی می‌کردند؛ لکن به واسطه نداشتن پول نتوانسته بودند کار مؤثری انجام دهند.^{۱۲}

هـ- چگونگی انتخاب نمایندگان قزوین

در این دوره انتخابات بسیار ساده بود و مردم در مکانی جمع شده و حضوراً نمایندگان خود را انتخاب کرده ، آنها را روانه مجلس کردند.

در سال ۱۳۲۴ هـ. ق پس از اعلان مشروطیت در مرکز شهرستانها اقدام به انتخاب وکلای مجلس گردید. دوره نخستین مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۴ هـ. ق. افتتاح شد . انتخاب وکلا در این دوره بسیار ساده بود. در قزوین در سال ۱۳۲۵ هـ. ق . به دعوت عمیدالملک - پسر امجدالدوله ، فرماندار وقت - نزدیک به سیصد تن از سرشناسان و طبقات گوناگون شهر در مسجد پنجه علی گرد آمدند و پس از خواندن تلگراف مرکز به طور شفاهی دو تن از معاریف به نام "میرزا حسین شهیدی" (پسر آقا محمد امام جمعه) و "میرزا حسین طبیب" معروف به امپراطور ، برای رفتن به مجلس شورای ملی تعیین گردیدند و فرماندار آنها را به مرکز معرفی نمود.

اما مرحوم حاج سید ابراهیم مجتهد حاج سید
اولین دوره مجلس شورای
ملی در تاریخ ۱۴ مهر ۱۲۸۵
خورشیدی مطابق با ۱۸
شعبان ۱۳۲۴ هجری قمری
با تشکیل سلام رسمی در
حضور مظفرالدین شاه افتتاح
گردید

کمتر به چگونگی مشروطیت و تشکیلات آن اطلاع داشتند ، هر یک جمعی را به دور خود جمع می نمودند و فواید مشروطه را برای آنها به دلخواه خود تعیین و تفسیر می کردند^۹.

این اختلافات و تحصن چند روزه در امام زاده حسین ادامه داشت تا تعدادی از مردم از این وضع خسته شدند و طبق یک قرار قبلی عازم تهران شده ، به مجلس رفتند و موضوع را به مجلس شورای ملی اطلاع دادند و از مجلس خواستار رسیدگی به اوضاع قزوین در خصوص انتخابات شدند.

چند نفری از آقایان قزوین امروز در مجلس حضور به هم رسانیده اظهار تظلم و تشکی نمودند.

از آن وقتی که نظامنامه انتخابات به قزوین فرستاده شده چند مرتبه توسط مردم رأی داده شد و مجالس منعقد شده تا اینکه غره ماه محرم تمام طبقات ششگانه حاضر شدند خانه شیخ الاسلام دو نفر شخص محترم را که یکی آقا شیخ حسین شهیدی و دیگری آقا میرزا حسن طبیب باشد ، مطابق نظامنامه به وکالت آنها را مهر کرده بودند مخالفت

نمایندگان این دوره مجلس را به موجب ماده ششم نظامنامه انتخابات طبقه اشراف و شاهزادگان و تجار و مالکان و روحانیون و اصناف تشکیل می دادند.

قانون اساسی ایران را که مشتمل بر ۵۱ اصل بود، در تاریخ ۸ دی ماه ۱۲۸۵ شمسی مطابق با ۳۰ دسامبر ۱۹۰۶ م. به توشیح مظفرالدین شاه و پس از فوت وی متمم قانون اساسی را در ۱۵ مهر ۱۳۸۶ شمسی مطابق با اکتبر ۱۹۹۷ م. در شرایط بسیار سخت و مبارزات آزادیخواهان با مخالفان به امضای جانشین مستبد او محمد علی شاه رساندند.^۶

در روز سه شنبه ۲۴ شوال سال ۱۳۲۴ هـ. ق. لوحه سر در مجلس را که با عنوان "دارالشورای ملی ایران" و "عدل مظفر" - که این کلمه در حساب ابجد برابر با ۱۳۲۴ است - نوشته شده بود، با شکوه فوق العاده ای نصب نمودند.

د- مجلس دوره اول و دستجات سیاسی

در این دوره، ۲۶ درصد از کرسیهای مجلس به اصناف تعلق گرفت؛ ولی این طبقه قدرتی نداشت. همچنین تجار نیز با وجود امکانات مالی، نفوذ سیاسی نیافتند. علما نیز چون متحد نبودند، پس از مدتی ضعیف گشتند. بنابراین نفوذ سیاسی چه در خارج از مجلس و چه در داخل آن، در دست طبقه اشراف و مالکین باقی ماند. به خصوص قوه مجریه در دست این طبقه بود و به قدرت آن می افزود. عدم وجود احزاب سیاسی، باعث یک قطبی شدن اعضاء مجلس شد و احزاب زمانی وارد میدان شدند که ترکیب طبقاتی صورت گرفته بود و حتی مرز بندی ایدئولوژیک آنها به شدت تحت الشعاع وضعیت طبقاتی و کلا قرار گرفت به طوری که میان بافت اعضاء حزب دموکرات "اجتماعیون - عامیون" با بافت اعضاء "اجتماعیون - اعتدالیون" تفاوت چندانی نبود. در این دوره هیچ حزبی نماینده رسمی در مجلس نداشت؛ ولی در این مجلس سه جریان سیاسی جلب توجه می کرد: "معتدلها، آزادیخواهان، بی طرفان". معتدلهای محافظه کار بودند و رهبر آنها صنیع الدوله^۷ بود. آزادیخواهان را تندرو و انقلابی می نامیدند. رهبر آنها سعدالدوله و بعد تقی زاده شد. بی طرفان بر حسب موضوع به یکی از جریانها متمایل شده و از آنها جانبداری می کردند.^۸

پس از جریانات مفصل سرانجام به دستور محمد علی شاه که از زمان ولی عهدی خود با جنبش مشروطه خواهی دشمنی داشت، مجلس تعطیل و در تاریخ دوم تیر ۱۲۸۷ ش. توسط لیاخوف روسی به توپ بسته شد. در تاریخ ۲۵ جمادی الاولی سال ۱۳۲۶ هـ. ق. محمد علی شاه فرمانی صادر کرد و طی آن از همه رعایای صدیق خود دعوت کرد که بدون هیچ ترسی به سر کار خود بازگردند.

مردمان بسیاری جلای وطن کرده بودند ، برای عاشقان آزادی بزرگترین عید و برای عدالت خواهان روزی مسعود بود.

این دوره مظهر آزادی بود . این روز دوباره ایران را در مقابل دنیا سرفراز کرد و شایستگی ملت ایران را به جهانیان نشان داد.

در دوره اول مجلس قانون گذاری ،
انتخاب نمایندگان براساس رأی مردم
نبوده ؛ بلکه از طرف اصناف، طبقات
مختلف، حتی شاهزادگان انتخاب شده
بودند

"پایه حکومت مردم بر مردم از این روز
شروع شد. این روز بنای ملت ایران را ساخت
و به کاخ واژگون شده ستمگران لبخند زد . این
روز نوید آینده درخشانی به ملت ایران داد و در
این روز زنجیر اسارت و بندگی از پای ملت
ایران برداشته شد."^۲

بزرگترین و مجلل ترین بنای تهران برای تأسیس اولین جلسه مجلس شورای ملی معین شد و از طرف دولت به نام شاه بیش از دو هزار نفر از شاهزادگان ، وزرا ، علماء ، اعیان و اشراف ، تجار ، رؤسای ایلات ، اصناف و سفرای خارجه و سرداران و صاحب منصبان بلند پایه دعوت شدند.

این مجلس که تا آن روز نظیرش در تاریخ ایران دیده نشده بود ، از بیرق ایران مزین شده بود . دهها هزار نفر در خیابانها فریاد می زدند زنده باد مشروطیت ، زنده باد ایران . مردم دسته های گل به طرف نمایندگان مجلس پرتاب می کردند و آنها را به حفظ حقوق ملت سوگند می دادند^۳

ج-افتتاح دوره اول قانون گذاری

اولین دوره مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۴ مهر ۱۲۸۵ خورشیدی مطابق با ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ هجری قمری با تشکیل سلام رسمی در حضور مظفرالدین شاه افتتاح گردید. مظفرالدین شاه در حالی که تب شدیدی داشت و رنگ صورت او دگرگون بود، در ساعت ۵ بعدازظهر به کمک دو نفر از درباریان که زیر بازوی او را داشتند برای گشایش اولین دوره مجلس شورای ملی به طرف عمارت موقتی مجلس در کاخ گلستان حرکت کرد و همه شرکت کنندگان در مراسم در برابر شاه ایستادند و شاه پس از نشستن شروع به گریه نمود و در حالی که به شدت می گریست شروع به سخنرانی کرد. ۵.

عبدالوهاب برغانی و شیخ حسن - و حکمت، فلسفه و عرفان را از آقای آخوند ملاحکمی و آخوند ملا یوسف حکمی فرا گرفت و شعر و ادب را نزد مادر خود آمنه خانم دختر شیخ محمد علی قزوینی فرا گرفت. دکتر الوردی: "قره العین یکی از نوابغ زندهای جهان است و او برای زمان خود خلق نشده بود. او صد سال قبل از عصر خود به دنیا آمد اگر او در این قرون و متمدن امروزی بود شأن دیگری داشت". آقای شکری مفتی (شیخ الاسلام سنی عراق): "من فضلی در او نهفته دیدم که در بسیاری از مردان ندیدم. او دارای عقل و ادب و پاکدامنی است که نظیر نداشت. او دو ماه میهمان در منزل من بود و هیچ گاه ندیدم که رفع تکلیف کند یا فرایض دینی خود را انجام ندهد چنانچه که دشمنانش او را متهم می کنند".

دائرةالمعارف اسلامی الشیعه، حسن الامین، مجلد ثامن عشر، صفحه ۵۴، چاپ ششم، ماده قزوین، انتشارات بیروت، دارالتعارف المطبوعات ۱۴۲۲. ۲۰۰۲ م. قره العین به ام السلمه یا زرین تاج و طاهره نیز شهرت دارد. وی دختر حاج مولا صالح برغانی قزوینی و متولد ۱۲۳۰ یا ۱۲۳۱ هـ. ق. می باشد که در قزوین متولد شد و همسر آقا محمد امام جمعه و عروس مولا محمد تقی برغانی معروف به شهید ثالث می باشد که پیرو آیین شیخیه بود و به تحریک وی در سال ۱۲۶۴ هـ. ق. مولا محمد تقی برغانی به شهادت رسید و از این پس قره العین به تهران و به "یوشت" بسطام رفت و به ترویج آیین خود پرداخت. وی سرانجام دستگیر و در تهران در باغ ایلخانی در سال ۱۲۶۸ هـ. ق. به قتل رسید و کالبد او را در همان باغ میان چاهی انداختند و چاه را پر کردند. (مینودر، ص ۴۸۵).

- ۲۳- صورت مذاکره از مجلس شورای اسلامی دوره اول، جلد اول، ص ۲۵۰.
- ۲۴- گلریز، سید محمد، مینودر، جلد اول، ص ۹۰۸.
- ۲۵- ورجاوند، پرویز، سیمای قزوین، جلد سوم، ص ۱۸۹۷.
- ۲۶- همان، جلد دوم، ص ۹۳۷.
- ۲۷- خلاصه مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، روز یکشنبه، ۲۳ ماه صفر المظفر، ۱۳۲۵.
- ۲۸- همان، روز سه شنبه، ۲۷ جمادی الاول، ۱۳۲۵، ص ۲۰۸.
- ۲۹- همان، روز شنبه، ۸ ماه رجب، ۱۳۲۵، ص ۲۰۵.
- ۳۰- خلاصه مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، روز پنجشنبه، ۲۶ رجب، ۱۳۲۵، ص ۲۷۴.
- ۳۱- همان، شنبه ۱۹ ماه محرم الحرام ۱۳۲۶، ص ۴۶۱.
- ۳۲- به جای ناسزا نقطه چین آورده شد.
- ۳۳- به جای ناسزا نقطه چین آورده شد.
- ۳۴- منظور میرزا مسعود شیخ الاسلام است.
- ۳۵- نور محمدی، مهدی، قزوین در انقلاب مشروطیت، ص ۳۰۷.
- ۳۵- نور محمدی، مهدی، قزوین در انقلاب مشروطیت، ص ۲۱۰.

منابع:

- ۱- اسناد و مدارک موجود در سازمان اسناد ملی ایران.
- ۲- اسناد و مدارک موجود در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ۳- اسناد و مدارک موجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۴- دائرةالمعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی و کامران فانی و بهاء الدین خرمشاهی، بنیاد خیریه و فرهنگی، انتشارات شط، تهران، ۱۳۷۱.
- ۵- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، ادوار هفده گانه، تهران، مجلس شورای اسلامی.
- ۶- عاقلی، باقر: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، گفتار و علم، تهران ۱۳۸۰.
- ۷- کرمانی، ناظم الاسلام: تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی اکبر سعید سیرجانی، نوین و آگاه، تهران.
- ۸- کسروی، احمد: تاریخ مشروطه ایران، نگاه، تهران، ۱۳۸۲.
- ۹- گلریز، سید محمد علی: مینودر یا باب الجنة قزوین، انتشارات طه، چاپ دوم، ۱۳۶۷.
- ۱۰- مروارید، یونس: از مشروطیت تا جمهوری، نگاهی به ادوار مجالس قانونگذاری دوران مشروطیت، جلد اول، چاپ اول، نشر اوحدی، تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۱- نورمحمدی، مهدی: قزوین در انقلاب مشروطیت، حدیث امروز، قزوین ۱۳۸۲.
- ۱۲- ورجاوند، پرویز: سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، تهران، ۱۳۷۷.